



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۹

۱۶ اسفند ۱۳۸۱

۷ مارس ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

زنان و مردان آزادیخواه

شنبه، روز جهانی زن، روز اعتراض به نابرابری است. روزهای جمعه و شنبه، خیابانهای شهرهای ایران، پارکها و تفریحگاهها در سراسر ایران باید شاهد حضور میلیونی شما باشد. خیابانها و پارکها و مراسمهای جمعه و شنبه باید شاهد حضور قدرتمند مردم آزادیخواهی باشد که تحقیر نمیخواهند، ستم و نابرابری نمیخواهند، حکومت سرکوبگر و مذهبی نمیخواهند. جمعه و شنبه روز جشن میلیونی مردم است، روز اعتراض سراسری به هرگونه نابرابری است، روز نه گفتن به رژیم اسلامی و هرگونه تحقیر و بیحقوقی است. روز دور انداختن و به آتش کشیدن حجاب، سمبل بردگی و بیحقوقی است. به هشت مارس بپیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران، به شما زنان و مردان آزادیخواه در سراسر ایران درود میفرستد و شما را فرامیخواند که با تمام قوا در تجمعات هشت مارس شرکت کنید. روزهای جمعه و شنبه امسال میتواند به روزهایی تاریخساز تبدیل شود. زن و مرد، دختر و پسر دست در دست هم از خانه ها بیرون بیایید و در دفاع از برابری بی قید و شرط زن و مرد، در دفاع از حرمت و آزادی خود، روز جهانی زن را به یک روز تاریخی علیه حکومت زن ستیز اسلامی تبدیل کنید.

**اعتراف به شکست
در مقابل مردم**

صفحه ۴

۸ مارس خیابانها مال ماست!



زنان و مردان آزادیخواه

۸ مارس، روز جهانی زن، روز اعتراض به نابرابری زن و مرد است. شنبه ۱۷ اسفند روز اعتراض به زن ستیزی جمهوری اسلامی است. ۸ مارس خیابانها مال ما مردم آزادیخواه و برابری طلب است، روز نمایش قدرت ما در دفاع از حرمت و آزادی و برابری انسانهاست. به خیابانها بیایید، به صف میلیونی زنان و مردان مدافع آزادی و برابری بپیوندید، و صف عظیم اعتراض به تبعیض و ستم بر زنان را در سراسر ایران فشرده تر کنید!

کوروش مدرسی

**بعنوان لیدر حزب
انتخاب شد**

در پلنوم ۱۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران کوروش مدرسی بعنوان لیدر حزب انتخاب شد.

به این مناسبت به رفیق کوروش مدرسی تبریک میگویم.

باطلاع خوانندگان انترناسیونال هفتگی میرسانم که مصاحبه ای با کوروش مدرسی درباره طرح و اولویتهای او برای فعالیت آتی حزب در شماره بعدی نشریه منتشر خواهد شد. - فاتح بهرامی

**اطلاعیه پایانی
پلنوم هفدهم
کمیته مرکزی**

صفحه ۲

طرح سازماندهی

**ارگانهای
رهبری حزب**

صفحه ۲

**هشت مارس
به خیابانها
بیایید!**

صفحه ۳

اخبار اعتراضات کارگری

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طرح سازماندهی ارگانهای رهبری حزب

اطلاعیه پایانی پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

متن زیر (قرار ۱۰۳۰) یکی از قرارهای مصوب پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران است که توسط منصور حکمت به پلنوم ارائه شد. این قرار مجدداً در پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب به تصویب رسید و همانطور که در اطلاعیه پایانی پلنوم ذکر شده، مبنای سازماندهی ارگانهای رهبری حزب قرار میگیرد. - هفتگی

مقدمه:

طرح زیر در شیوه تائید کار بالا تغییراتی ایجاد میکند. سیستم کار تائیدی چند ضعف اصلی دارد:

۱- میان فونکسیون کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی تفکیک لازم صورت نگرفته، نوع مشغله و موضوعات مورد بحث و تصمیم گیری این ارگانها و پستها مشابه هم است.

۲- میان فونکسیونهای سیاست گذاری، رهبری و کنترل تفکیک کافی صورت نگرفته است و معلوم نیست چه ارگانی در چه سطحی به هریک از این فونکسیونها میپردازد و دامنه اختیارات هریک از نهادهای بالا در این سه عرصه چیست و چه تفاوتی با هم دارد.

۳- مقوله رهبری سیاسی و اجرایی نشسته حزب پاسخ نگرفته است.

به منظور رفع این نواقص طرح زیر سه نهاد اصلی در بالای حزب تعریف میکند (همینطور که الان هست). کمیته مرکزی، با نقش اساساً سیاست گذاری کلی و کنترل و تعیین ترکیب دو ارگان دیگر، دفتر سیاسی با وظیفه اساساً نظارت، کنترل و سیاست گذاری جاری، و دبیر کمیته مرکزی، در راس یک هیات دبیران، با وظیفه رهبری سیاسی و اجرایی حزب.

مکانیسم عملی کار چنین است:

۱- کاندیداهای دبیری کمیته مرکزی (نقشی شبیه دبیرکل و یا دبیر در احزاب دیگر) پلاتفرم سیاسی و عملی و برنامه کار خود را در پلنوم ارائه میکنند. ۲- پلنوم دبیر کمیته را انتخاب و پلاتفرم او را با جرح و تعدیل های لازم بعنوان سند رسمی پلنوم تصویب میکند. ۳- پلنوم دفتر سیاسی را بعنوان نماینده مستقیم خود برای نظارت و کنترل بر کار دبیر کمیته مرکزی انتخاب میکند. ۴- دبیر کمیته مرکزی

کاندیداهای خود برای هیات دبیران (مسئولین عرصه های اصلی نظیر دبیر خارج، داخل، کردستان، رئیس دبیرخانه و سردبیر ارگان مرکزی و غیره) را برای گرفتن رای اعتماد به دفتر سیاسی معرفی میکند. هیات دبیران رهبری اجرایی نشسته حزب است و مستقیماً بعنوان تیم تحت مسئولیت دبیر کمیته مرکزی کار میکند.

۵- هر مصوبه و قرار دیگر پلنوم برای دبیر کمیته مرکزی لازم الاجراست و به پلاتفرم عمل او افزوده میشود.

۶- هر مصوبه دفتر سیاسی بر طبق ضوابطی که پائین تر توضیح داده شده است به وظایف دبیر افزوده میشود.

۷- هر سیاست کلی و جهت گیری جدید باید به تصویب دفتر سیاسی برسد.

وظایف و اختیارات ارگانهای

رهبری حزبی

۱- عالی ترین کمیته رهبری حزب، کمیته مرکزی است که در کنگره انتخاب میشود. کمیته مرکزی:

- اصول سیاست ها و جهت گیری های حزب را در فاصله دو پلنوم تصویب میکند.

- دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی را انتخاب میکند.

- مرجع نهایی داوری و حکمیت در حزب است.

- مرجع نهایی حسابرسی و کنترل در حزب است.

کمیته مرکزی یک ارگان تجمعی است و فقط در نشست خود دارای اختیارات حقوقی خویش است. در فاصله دو پلنوم اختیارات کمیته مرکزی میان دفتر سیاسی و هیات دبیران به مسئولیت دبیر کمیته مرکزی تقسیم میشود.

۲- در فاصله دو پلنوم دفتر سیاسی عالی ترین ارگان سیاست گذاری و داوری و حسابرسی در حزب است.

- دفتر سیاسی بر اجرای مصوبات پلنوم توسط دبیر کمیته مرکزی و هیات دبیران نظارت میکند. - دفتر سیاسی مرجع سیاستگذاری

در مواردی است که قبلاً توسط کمیته مرکزی سیاستی در مورد آن تصویب نشده است.

- دفتر سیاسی مرجع رد و قبول کاندیداهای هیات دبیران است.

- دفتر سیاسی مرجع دریافت و بررسی شکایات از دبیر کمیته مرکزی و اعضای هیات دبیران است.

- دفتر سیاسی فونکسیون هدایت مستقیم تشکیلات را ندارد و با دبیر کمیته مرکزی طرف است.

- دفتر سیاسی برای هدایت و پیگیری امور داخلی خود رئیس دفتر سیاسی را برمیگزیند.

۳- مسئولیت رهبری و مدیریت حزب در فاصله دو پلنوم با دبیر کمیته مرکزی منتخب پلنوم و هیات دبیران تحت مسئولیت اوست.

- دبیر کمیته مرکزی پلاتفرم سیاسی و عملی خود را در پلنوم به تصویب میرساند. این پلاتفرم حاوی چهارچوب سیاسی و رؤس نقشه عمل اجرایی و اولویتهای رهبری حزب است. دبیر کمیته مرکزی دبیر سیاسی حزب و رئیس سازمان حزبی است.

- دبیر کمیته مرکزی برای پیشبرد وظایف خود یک هیات دبیران (مشکل از معاون دبیر و دبیران عرصه های اصلی فعالیت حزب) تشکیل میدهد.

- عزل و نصب اعضای هیات دبیران و ترمیم ترکیب آن در اختیار دبیر کمیته مرکزی است. هر عضو هیات دبیران باید از دفتر سیاسی رای اعتماد بگیرد. دفتر سیاسی هر زمان بخواهد میتواند رای اعتماد خود را پس بگیرد و خواهان معرفی فرد دیگری بشود.

- تصمیم نهایی در هیات دبیران با دبیر کمیته مرکزی است. اعضای هیات دبیران موظف به پیشبرد پلاتفرم دبیر کمیته مرکزی (مصوب پلنوم) هستند.

- دبیر کمیته مرکزی میتواند، چنانچه مصوبه ای از دفتر سیاسی را با پلاتفرم مصوب

پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۰ و ۱۱ اسفند ۱۳۸۱ (۱ و ۲ مارس ۲۰۰۳) با شرکت ۲۹ نفر از اعضای کمیته مرکزی، ۲۷ نفر از اعضای مشاور کمیته مرکزی و هیاتی از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق تشکیل شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت بیباد منصور حکمت و جانباختگان راه سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. اولین دستور پلنوم گزارش عملکرد حزب و ارزیابی از موقعیت کنونی حزب بود. در این بخش علاوه بر گزارش کتبی ارگانهای مختلف که در اختیار پلنوم قرار داده شده بود، کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی و حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی طی سخنرانیهای خود موقعیت حزب را مورد بحث قرار دادند. در این بحث

هر دو سخنران بر پیشرفت های قابل مشاهده حزب و گسترش دامنه نفوذ آن در جامعه و تاثیر آن بر جنبش سرنگونی علیرغم موقعیت سختی که حزب بدنبال از دست دادن منصور حکمت داشته است، تاکید کردند. سخنرانان و شرکت کنندگان در پلنوم پیرامون مسائل اجتماعی و سیاسی که حزب در دوره سقوط جمهوری اسلامی و قرار گرفتن امر سازماندهی انقلاب و تصرف قدرت سیاسی در مقابل خود دارد به تفصیل بحث کردند. سپس حمید تقوایی بحثی تحت عنوان تحولات ایران و چشم انداز تصرف قدرت سیاسی در ایران ارائه کرد. وی ویژگیهای جنبش سرنگونی و نقش حزب در رهبری و به پیروزی رساندن

خود مغایر تلقی کند، حداکثر دوبار آن را برای تجدید نظر به اجلاس دفتر سیاسی پس بفرستد. در صورت پافشاری دفتر سیاسی بر اجرای مصوبه در دور سوم، دبیر کمیته مرکزی موظف به اجرای مصوبه و یا فراخوان دادن به پلنوم کمیته مرکزی است. - دبیر کمیته مرکزی به دفتر

آنها بررسی کرد. دستور بعدی پلنوم سازمان ارگانهای رهبری حزب بود. در این دستور پلنوم بعد از بحث و تبادل نظر در این مورد، طرح سازماندهی ارگانهای رهبری حزب مصوب پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب را مجدداً مبنا قرار داد.

در ادامه پلنوم کورش مدرسی را بعنوان دبیر کمیته مرکزی (لیدر) انتخاب کرد. همچنین ۱۹ نفر به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند: مینا احدی، فاتح بهرامی، حمید تقوایی، علی جوادی، مجید حسینی، رحمان حسینزاده، عبدالله دارابی، شهلا دانشفر، صالح سرداری، ثریا شهابی، فاتح شیخ، مصطفی صابر، ایرج فرزاد، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، حسین مرادیکی (حمه سور)، آذر مدرسی و مریم نمازی.

در اولین نشست دفتر سیاسی، بلافاصله بعد از پلنوم، حمید تقوایی باتفاق آراء بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد. دفتر سیاسی به دبیر کمیته مرکزی فرصت داد تا ظرف دو هفته هیات دبیران را برای کسب رای اعتماد به دفتر سیاسی معرفی کند.

پلنوم در میان شوق و ابراز احساسات گرم شرکت کنندگان و با شعارهای زنده باد منصور حکمت، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب کمونیست کارگری و با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مارس ۲۰۰۳
۱۳ اسفند ۱۳۸۱

سیاسی و پلنوم کمیته مرکزی گزارش میدهد. گزارش دبیر به پلنوم باید بدواً در اختیار دفتر سیاسی قرار گرفته باشد. دفتر سیاسی میتواند این گزارش را تماماً تائید کند. و یا اصلاحیه های خود بر آن و یا کلاً گزارش آلترناتیو خود را به پلنوم عرضه کند. ■

هشت مارس به خیابانها بیایید!

ثریا شهابی



هشت مارس، هفدهم اسفند، روز جهانی زن است. در این روز مردم معترض، در سراسر جهان، به حرکت در می‌آیند تا اعلام کنند که به فرودستی زن رضایت نمی‌دهند! مردم به خیابانها می‌آیند، در صدها و صدها مراسم بزرگ شرکت می‌کنند تا اعلام کنند که قصد دارند جهان را به نفع احیا شان و حرمت انسانی زن، تغییر دهند. در این روز فعالین جنبش برابری زن و مرد، کمونیست‌ها و آزادیخواهان در سراسر جهان، صدای عدالتخواهی و برابری طلبی زنان را به گوش جهانیان میرسانند. نابرابری زن و مرد به بشریت معاصر تحمیل شده است! آن را نمی‌خواهیم! این صدا و کیفرخواست یک جنبش جهانی برای احقاق حقوق زنان است!

واقعیت این است که این تنها صاحبین قدرت سیاسی و اقتصادی و تنها سرمایه داری است که از این نابرابری سود می‌برند. بشر متمدن در حفظ این ستم قرون وسطایی، فرودستی زن، منفعتی ندارد. سنت هشت مارس، سنت اعلام این واقعیت است که مردم مسئول بی حقوق کردن نیمی از شهروندان جوامع نیستند! کیفرخواست آزادی زن، بخشی از کیفرخواست انسان معاصر برای رهایی از اسارت و بردگی سرمایه است. در ایران و در کشورهایی با حکومت‌های اسلامی، یعنی جایی که ارتجاع و تحجر ضد زن بر مناسبات سرمایه حاکم است، دفاع از حقوق زن، مبارزه ای مستقیماً علیه حکومت و برای تغییر حکومت است!

در ایران، بیست و چهار سال است که مردم در دفاع از حقوق زنان با یک حکومت وحشی قرون وسطایی در جنگ اند. زن ستیزی و آپارتاید جنسی از ارکان مهم حاکمیت اسلامی است. این واقعیت مبارزه برای آزادی زن را به مبارزه ای مستقیماً علیه حاکمیت اسلامی تبدیل کرده است. بیست و چهار سال است

که حفظ حجاب و جداسازی زن و مرد مسئله مرگ و زندگی حکومت اسلامی ایران است. بیست و چهار سال است که حکومت ایران در حیات هر روز اش با زنان می‌جنگد و زنان در زندگی روزمره شان مقاومت می‌کنند!

شروع حمله وسیع به زنان در ایران، هشت مارس ۵۸ بود. روزی که دهها هزار زن در اعتراض به حجاب و شکل گیری حکومت آپارتاید جنسی در ایران به خیابانها ریختند و فریاد زدند که "در بهار آزادی جای حق زن خالی!"، "نه روسی نه توسی!"، "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم!" و به این ترتیب کیفرخواست و پرچم جنبش آزادی زن را در انقلاب برحق مردم علیه دیکتاتوری پهلوی، بلند و برافراشته نگاه داشتند. بیست و چهار سال پیش جنبش مقاومت میلیونی مردم در مقابل روند شکل گیری حکومت اسلامی و تبدیل زنان به بردگان فرودست، شکست سختی خورد. حاکمین جدید اسلامی که وظیفه تمام نشده حکومت پهلوی را در سرکوب مردم بعهد گرفته بودند، با توسل به یک سرکوب خونین و یک نسل کشی تمام عیار از زنان آزادیخواه، کمونیست‌ها و مردم مترقی، مردم را به شکست کشاندند. این شکست اما با همه خونبار بودنش، یک شکست قطعی نبود. کمونیست‌ها، طبقه کارگر، دانشجویان، زنان آزادیخواه، و آفرینندگان هشت مارس ۵۸، به سنگر مقاومت در مقابل اجرای احکام اسلامی، عقب نشستند! ماحصل پیروزی ارتجاع اسلامی و شکست جنبش آزادیخواهی، ماحصل پیروزی فاشیست‌های اسلامی بر انقلابیون ۵۷، فقر و تباهی میلیونی مردم و تباهی زندگی نسلی از دختران، کودکان و جوانان ایران است. محصول حکومت اسلامی ایران، رشد و پرورش نسلی بود که هرگز

اخبار اعتراضات کارگری

ادامه دهند دو روز مهلت خواست. کارگران تهدید کرده اند که در صورت عدم پرداخت دستمزدهایشان به اعتصابی همه جانبه و نامحدود دست خواهند زد.

راهپیمایی کارگران تلار قائمشهر
کارگران کارخانه نساجی تلار قائمشهر با راهپیمایی در سطح شهر و شعار دادن بر علیه کارفرما اعتراض و خشم خود نسبت به عدم پرداخت دستمزدهایشان را ابراز داشتند. کارگران ابتدا در محوطه کارخانه تجمع کردند و بعد با سردادن شعار به سوی فرمانداری این شهر حرکت کردند. در مسیر راه بسیاری از مردم از آنها به شیوه های مختلف ابراز همبستگی میکردند. راهپیمایان سپس در برابر فرمانداری قائمشهر جمع شدند و با شعار دادن و سخنرانی خواهان پرداخت فوری دستمزدهای خویش شدند. کارگران خواهان این بودند که فرماندار در جمع آنها حاضر شده و به مسائل آنها پاسخ گوید. کارگران نساجی تلار بیش از سه ماه است که دستمزدهای خویش را دریافت نکرده اند.

به گزارش روزنامه های ایران کارگران شرکت نساجی تجارت نیز در اعتراض به تعویق هشت ماهه در پرداخت دستمزدهایشان در مقابل شرکت سرمایه گذاری شاهد دست به تحصن زده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم را فرا میخواند که از مبارزات کارگران بهره شکل ممکن دفاع کنند. نپرداختن دستمزد کارگران یک جرم جنایی است. این حق بی چون و چرا و برسیمت شناخته شده کارگران است که دستمزدهای

خویش را به موقع و بدون تاخیر دریافت کنند. حکومت اسلامی با یورش به صف کارگرانی که دستمزد پرداخت نشده خویش را می‌خواهند و با دفاع از کارفرمایان مفتخور و جنایت کار، خود اعتراف میکند که کارگران و مردم برای دستیابی به ساده ترین حقوق خویش ناچارند این حکومت جانین اسلامی را بزیر کشند. ■

تهاجم سرکوبگران به صفوف کارگران نختاب و تومات تبریز

کارگران نختاب و تومات تبریز، روز چهارشنبه ۱۴ اسفندماه باردیگر در خیابانهای این شهر دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. کارگران شعار میدادند "ما حقمان را میخواهیم" "هشت ماه است حقوقمان پرداخت نشده" و شعارهای دیگری که اعتراض آنها به نپرداختن دستمزدها و اخراج را بیان میکرد. کارگران این دو کارخانه در منطقه "سید آباد" که این کارخانه ها در آنجا قرار دارند راهپیمایی را آغاز کردند. هر آن بر تعداد کارگران افزوده میشود. مسئولین کارخانه ها با دیدن صفوف خشمگین کارگران نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را فراخواندند و بلافاصله چند خودرو حامل نیروهای رژیم به منطقه وارد شده و کارگران را به محاصره در آوردند. حمله پلیس آغاز شد. کارگران همچنان شعار میدادند و با خشم فریاد میزدند "ما حقمان را میخواهیم" ما دستمزدمان را میخواهیم. حمله سرکوبگران شدت گرفت و کارگران مقاومت میکردند. بنا به گزارشات دریافتی در این درگیری که مدتی ادامه یافت تعدادی از کارگران زخمی شدند. یادآوری کنیم که کارگران نختاب و تومات بارها برای گرفتن دستمزدهای خویش دست به تظاهرات و راهپیمایی زده اند. از جمله روز ۱۱ اسفند ماه کارگران هر دو کارخانه همزمان با طرح خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه راهپیمایی کردند و روز ۱۹ بهمن ماه نیز راهپیمایی کارگران نختاب با یورش سرکوبگران جمهوری اسلامی مواجه شد.

اعتصاب کارگران سد کارون

کارگران سد کارون (۳)، روز چهارشنبه ۱۴ اسفند ماه در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. کارگران ۴ ماه است دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند. کارفرما ابتدا به تهدید کارگران به گسیل نیروهای سرکوب متوسل شد و بعد که متوجه شد کارگران مصممند به اعتصاب

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراف به شکست در مقابل مردم

فاتح بهرامی



در مضحکه ای بنام انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا، جمهوری اسلامی شکست سختی از مردم خورد. علیرغم تلاش گسترده کل رژیم برای کشاندن مردم به پای صندوق ها، مردم این مضحکه را به تمسخر گرفتند و آنرا بایکوت کردند. کل رژیم، از عناصر لمپن و چاقوکش جناح راست تا پاسداران پاستوریزه دو خردادی، همراه با پادوهای دست به سینه توده ای اکثریتی تبلیغات وسیعی برای شرکت مردم در این مضحکه تدارک دیدند، حتی برخلاف انتخابات های دیگر رژیم نظارت استصوابی و حذف برخی کاندیدها وجود نداشت. اما مردم تحویل نگرفتند و آنرا به شکست کشاندند.

اگر از زمان دو خرداد ۷۶ تاکنون هیاهوی رژیم و بویژه جناح دو خرداد و اپوزیسیون طرفدار رژیم و رسانه هائی مانند بی بی سی این بوده که انتخابات های رژیم را بعنوان طرفداری مردم از اصلاحات جا بزنند، اینبار آنقدر عدم شرکت مردم واضح و آشکار بود که نه تنها امکان شعبده بازی های گذشته را از آنان سلب کرد بلکه مجبور به اعترافشان کرد. اعتراف به شکست از مردم و اعتراف به عدم شرکت آنان در این مضحکه. همه آنها، از خاتمی و کل سران جبهه دوم خرداد تا عناصر جناح راست به عدم شرکت مردم اعتراف کردند و پای دلیل تراشیدن برای آن نشستند. خاتمی آنرا یک "زنگ خطر" توصیف کرد. کل طیف دو خرداد به اشکال گوناگون آنرا سرخوردگی مردم و سلب اعتماد آنها نسبت به رژیم ارزیابی کردند. جلسه گرفتند و ارزیابی کردند و مجبور شدند علنا به شکست خوردن از مردم اعتراف کنند. بعنوان نمونه علی شکاری راد از سران جبهه مشارکت میگوید: "مهمترین وجه آنچه در انتخابات اتفاق افتاد شرکت نکردن مردم بخصوص در تهران و شهرهای بزرگ بود... شکست ما در حالی روی داده که مردم پای صندوقهای رای نیامدند و مسئولیت این موضوع به عهده همه اجزای حاکمیت و نظام است و طرف خطاب پیام مردم در این انتخابات همه مسئولین کشور هستند نه یک جناح و حزب خاص". وضعیت طوری است که جماعت دو خردادی

که دائما در جدال با جناح راست وانمود میکرد که به رای مردم و پشتیبانی آنان متکی هستند اکنون به تقسیم کردن افتضاح و شکست بین دو جناح متوسل میشود. اما در این میان وضعیت پادوهای طرفدار دو خرداد در خارج حکومت بیشتر مضحک است. ضمن اینکه به شکست رژیم در ۹ اسفند اعتراف میکنند و سعی میکنند که "گریه" نکنند، هنوز علیرغم اعترافات کسانی مانند شکوری راد میگویند که "مردم با نه گفتن به کل حاکمیت و زمامداران در واقع خواهان ایستادگی قاطع اصلاح طلبان در برابر تمامیت خواهان هستند" و عدم شرکت مردم را فقط محصول تلاش جناح راست میدانند. باز هم امیدوارند که مردم آنها را کمتر به مسخره بگیرند و اگر ایستادگی بیشتری از طرف دو خردادها صورت بگیرد مردم به آنها روی بیاورند. هنوز هم برای "تداوم جنبش اصلاح طلبی" و "بازسازی صفوف اصلاحات و تجدید قوای فکری و سیاسی آنها" نسخه میپیچند و "خروج از حاکمیت و همه پرسی" تجویز میکنند. تاکید میکنند که روحیه اعتراضی مردم هنوز با فضای انفجاری فاصله دارد و مردم طرفدار اصلاحات هستند و نه انقلاب. واقعا روحیه خوبی دارند که در مقابل این حرکت مردم هنوز هم تا این حد در نوکری رژیم اسلامی ثابت قدم هستند. اینها البته در واقع، مانند همیشه، منظورشان از طرفداری مردم از اصلاحات همان طرفداری خودشان، یعنی طیف عناصر پوسیده توده ای اکثریتی، از رژیم است که حیات و ملمات سیاسی شان به وجود این رژیم گره خورده و از هر تلاشی برای اسیر نگه داشتن مردم زیر سیطره جمهوری اسلامی کوتاهی نمیکند.

نهم اسفند یک واقعه مهم بود. ۹ اسفند نوعی نقطه مقابل دو خرداد است. نه فقط به این دلیل که مردم رژیم اسلامی را رسوا کردند، بلکه به این دلیل که رژیم را مجبور کرد که پایان آنچه را در دو خرداد دستمایه عوامفریبی و تبلیغ برای اصلاح جمهوری اسلامی کرده بود در ۹ اسفند رسما و علنا پس بگیرد. مردم از خیلی وقت پیش حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده بودند. اعتراضات و تظاهراتهای گسترده

بمانند اکثریت مجلس هفتم را بدست بگیرند. بنابراین اگر دو خرداد ۷۶ فصل جدیدی در حیات رژیم اسلامی بود، ۹ اسفند ۸۱ هم مقطع دیگری است که دو نکته را تاکید میکند: اول اینکه جنبش مردم برای سرنگونی کل نظام و هر دو جناح آن توسط خود رژیم هم برسمیت شناخته میشود و دوم اینکه جریان دو خرداد میبرد که بی آبروتر از قبل از صحنه بتدریج حذف شود. در چنین شرایطی رودروئی مردم با جمهوری اسلامی وارد مرحله جدیدی میشود و به سمت مرحله نهائی نزدیک میشود. در این میان جنگ آمریکا و حضور نیروهای آن در منطقه نیز احتمال تسریع پروسه یکدست شدن رژیم و بیرون افتادن جریان دو خرداد را بیشتر میکند. شکست جمهوری اسلامی در ۹ اسفند مستقیما در خدمت تقویت جنبش سرنگونی و قوی تر شدن موقعیت کارگران و مردم زحمتکش و آزادیخواه جامعه است. این پیروزی و پیشروی مردم در عین حال یک پیروزی و پیشروی برای حزب کمونیست کارگری ایران است که برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپائی یک جامعه شاد و آزاد و برابر تلاش میکند. اما شکست قطعی پروژه اصلاح جمهوری اسلامی و در نتیجه شکست کل جمهوری اسلامی و پیشروی و چپ تر شدن جنبش مردم برای سرنگونی رژیم محصول وجود حزب کمونیست کارگری و فعالیت این حزب است. حزب کمونیست کارگری ایران نه تنها از همان دو خرداد ۷۶ تاکید کرد که رژیم اسلامی قابل اصلاح نیست و حضور وسیع مردم در آن انتخابات را حرکتی برای عمیق تر کردن شکاف درون حاکمیت ارزیابی کرد، بلکه در هر مقطعی در پیشروی این جنبش سرنگونی نقش ایفا کرد. ما جدال دو جناح رژیم را "جنگ بازنده ها" خواندیم. حزب کمونیست کارگری از طریق یک فعالیت همه جانبه از فروش کالای بنجل اصلاحات

مردم در شهرها، ۱۸ تیر، و حرکت سراسری اخیر دانشجویان نمونه هائی از این حکم مردم است. اعتراضات و اعتصابات کارگری و مقاومت و اعتراض زنان و جوانان در پنجسال گذشته دائما رو به افزایش بوده و رادیکالتر و چپ تر و همه گیر تر شده است. باین معنی جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی از همان دو خرداد ۷۶ علنا پا به میدان گذاشت. مقطع شکست دو خرداد و جنبش اصلاح جمهوری اسلامی ۹ اسفند نیست بلکه قبل از حرکت مردم در ۱۸ تیر شروع شده بود. تجزیه این جنبش و از دست دادن نیرو و بی آبروداشتن از همان زمان آغاز شده بود. تا به جدال بین جناحها هم بر میگردد، پس گردنی خوردن هر روزه دو خردادها از رهبر و جناح راست و اعلام بی اختیاری مجلس توسط خامنه ای در ماجرای مربوط به بستن مطبوعات، ماهیت جناح دو خرداد رژیم را برای جامعه معلوم کرده بود. برای مردم معلوم بود که اینها یک "بال" نظام هستند که فلسفه وجودیشان عمر خریدن برای جمهوری اسلامی است. برای رژیم هم معلوم بود که مردم قصد جانشان را کرده اند و حتی مرتباً در دعوایشان همدیگر را از انفجار اجتماعی و حرکت نابود کننده مردم میترساندند. بنابراین از نقطه نظر مردم و نیز برای خود رژیم، ۹ اسفند ادامه حرکت مردم در "نه" گفتن به کل رژیم است. اما اهمیت این "نه" بزرگ ۹ اسفند اعلام رسمی و علنی شکست رژیم از دست مردم است که در عین حال پایان سوت علنی جنبش دو خرداد توسط خود دو جناح نیز هست. در چنین وضعیتی است که از یکطرف دفتر تحکیم وحدت اعلام میکنند که از جبهه دو خرداد بیرون میاید و از طرف دیگر امثال امیر محبیان در جناح راست به فکر توصیه به جناح خود میافتد که برای کسب آبرو و جمع کردن نیرو در شرایط به زمین افتادن پرچم دو خرداد به سراغ تعریف "اصلاحات واقعی" و بدست گرفتن آن بشود! جناح راست اکنون به فکر آنست که اگر

به مردم جلوگیری کرد. پروژه کنفرانس برلین را که قرار بود در خدمت تقویت موقعیت رژیم اسلامی و کسب اعتبار برای جریان دو خرداد قرار گیرد، به شکست سختی کشاند. شکست کنفرانس برلین موقعیت حزب و روحیه اعتراضی مردم علیه رژیم را بشدت متحول کرد. همین حرکت حزب باعث شد که رژیم ضربه جبران ناپذیری متحمل شود، و در مقابل، جنبش سرنگونی مردم به یک ستون محکم متکی شود. علاوه بر این حزب کمونیست کارگری از تحرک رژیم در خارج کشور برای جمع کردن نیرو حول جریان دو خرداد جلوگیری کرد و فعالیتهای آنها را زیر ضرب افشاگری گرفت. بهمین دلیل است که طرفداران جناح دو خرداد رژیم یک آن از ابراز کینه و دشمنی نسبت به حزب ما و جنبش آزادیخواهی تردید نکرده اند و نمیکنند. حزب کمونیست کارگری از طریق رادیو و نشریه و سازمان جوانان کمونیست و شبکه روابط وسیع با فعالین خود و دوستداران حزب در داخل و طرق گوناگون دیگری نه تنها در به شکست کشاندن جریان دو خرداد نقش جدی ایفا کرده بلکه یک تصویر شفاف و روشن از آزادیخواهی، حق و حرمت انسان در ابعاد مختلف و بطور خلاصه تصویر از یک زندگی در شان انسان امروزی را مقابل جامعه قرار داده است. جای پای حزب کمونیست کارگری در تحولات سیاسی ایران و پیشروی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه به روشنی برای بخش زیادی از مردم قابل مشاهده است. رژیم اسلامی رفتنی است و برای رویارویی نهائی باید آماده شد. جنبش سرنگونی باید خود را تقویت کند و برای ضربه نهائی به جمهوری اسلامی خود را آماده کند. بهمین دلیل باید به حزب کمونیست کارگری پیوست، و آنرا به دوست و آشنای خود معرفی کرد، و آنان را تشویق کرد به حزب بپیوندند. ■

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۸

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب

جمعه ها ۳:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

Fax: 001(208) 2464221

روی اینترنت

www.rowzane.com/tv/alijavadi